

سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه‌ی تربیتی انتظار

دکتر رحمت اله مرزوقی*

چکیده

هدف این مقاله بررسی سیمای مهدویت در برنامه آموزشی مدارس است. سؤالاتی که در این تحقیق به آنها پرداخته شده عبارتند از: آیا آموزش و پرورش عمومی کشور اساساً اهدافی را در زمینه گسترش تفکر و فلسفه مهدویت مد نظر قرار داده است؟ و یا به طور نظام‌مند در پی تحقق چنین اهدافی است؟ آیا در این باره برنامه آموزشی و درسی مناسبی طراحی شده است؟ آیا تصویر مطلوبی از سیمای مهدویت در برنامه‌های درسی ارائه می‌شود؟ به منظور پاسخگویی به پرسش‌های مزبور با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی به بررسی اهداف کلی و اصول مندرج در طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اهداف آموزش و پرورش در دوره‌های سه گانه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی، فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی، کتب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره راهنمایی و کتب قرآن و تعلیمات دینی و دانش اجتماعی دوره متوسطه پرداخته شد. یافته‌ها به طور کلی حاکی از آن است که در منابع مزبور توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا در خصوص گسترش تفکر مهدویت وجود ندارد. جزئیات یافته‌ها در مقاله به تفصیل ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت عمومی، برنامه‌های آموزشی و درسی، اهداف تربیت، محتوای کتب درسی، فلسفه مهدویت

Email: rmarzoghi@yahoo.com

* عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۲۵ تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۱۰

مقدمه

نهاد تعلیم و تربیت، در دنیای امروز، نقشی کلیدی و همه‌جانبه در توسعه‌ی جوامع ایفا می‌کند. این نهاد از طریق مدارس، وسیله‌ی مهمی برای برقراری ارتباط بین نسل جوان و جدید با نسل بالغ و بزرگسال است. مدارس از طریق این ارتباط تلاش می‌نمایند تا آرمان‌ها، انتظارات، باورها، امیدها و افکار مورد نظر جامعه را به نسل نو منتقل سازد. از دیدگاه صاحب‌نظران، برقراری این ارتباط به اندازه‌ای مهم است که زندگانی اجتماعی بدون آن بقایی نخواهد داشت (دیویی، ۱۹۶۰، ص ۵-۴). از این منظر، تعلیم و تربیت مهم‌ترین مجاری و منافذ جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی تلقی می‌شود؛ چرا که می‌تواند به انتقال فرهنگی و هدایت فکری و رفتاری نسل نو پردازد.

از نظر استفان مان^۱ (۱۹۹۴)، مدارس باید به پرورش و رشد نگرش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌هایی پردازد که نسل نو را قادر ساخته تا جامعه‌ای بهتر ایجاد کند (به نقل از آنریز، ۱۹۷۹، ص ۶۴). از نظر ژیرو^۲ (۱۹۹۲، ص ۸۲)، مدارس ابزار بالقوه‌ای برای ایجاد تغییرات اجتماعی مورد نظر است. به نظر رایبا^۳، گرچه نوع تعلیم و تربیت، در هر جامعه‌ای، منعکس‌کننده‌ی تحولات آن جامعه است، عامل مهمی برای ایجاد تغییرات اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، تعلیم و تربیت تنها نهادی «شکل‌پذیر» و متأثر از تحولات اجتماعی نیست؛ بلکه «شکل‌دهنده» نیز هست (رایبا، ۱۹۹۷، ص ۹۱).

متفکران و فیلسوفان نیز به کارکرد همه‌جانبه و مؤثر تعلیم و تربیت توجه کرده‌اند. از نظر افلاطون، تکامل معنوی فرد و جامعه تا برترین مقام در گرو تربیت است و پی‌ریزی یک جامعه‌ی مطلوب و نیک، تنها بر بنیاد تربیت صحیح ممکن است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۴۸-۴۹). برتراند راسل معتقد است که ارزش‌های اجتماعی باید از طریق نظام آموزشی گسترش یابد. از نظر وی، اگر خواهان نظامی از ارزش‌ها هستیم، باید در نظام آموزشی، آن ارزش‌ها را رعایت کنیم و آموزش دهیم (راسل، ۱۳۶۳، ص ۳۴۵). در این باره دورکیم معتقد است که تنها تعلیم و تربیت می‌تواند میان افراد جامعه اشتراک افکار و احساسات به وجود آورد (دورکیم، ۱۳۷۶، ص ۵۵).

متفکران مسلمان نیز به کارکردهای مهم تعلیم و تربیت توجه جدی کرده‌اند. از نظر فارابی، انسان قابلیت‌های گوناگونی دارد که تعلیم و تربیت می‌تواند برای رشد و

1. Stephen mann

2. Giroux

3. Ryba

شکوفایی آن یا باوراندن نظام مطلوب به آنان مؤثر باشد. از نظر وی، تعلیم و تربیت باید افراد را برای دستیابی به «مدینه‌ی فاضله» یا «جامعه‌ی آرمانی» تربیت نماید (قادری، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷). از دیدگاه امام محمد غزالی، هدف نهایی تربیت، رسیدن به قرب الهی است (ص ۲۷۱، ۲۷۲). به نظر خواجه نصیرالدین طوسی، انسان در زمره‌ی موجوداتی است که می‌تواند پذیرای تعلیم و تربیت باشد و کمال تربیت نیز دستیابی به عالم توحید و مقام اتحاد است (همان). همان گونه که ملاحظه می‌گردد، فیلسوفان و صاحب‌نظران کارکرد اساسی تعلیم و تربیت را در جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، پرورش معنوی، الهی شدن و دستیابی به مدینه‌ی فاضله یا جامعه‌ی آرمانی می‌دانند.

بیان مسئله

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های اجتماعی و آینده‌سازانی هستند که بهترین دوران زندگی و ارزشمندترین سرمایه‌ی خود یعنی عمر و زمان را در اختیار نهاد آموزش و پرورش قرار می‌دهند. یافته‌های تحقیقاتی مانند مطالعه‌ی لوگان و اریکر^۱ (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دوره‌ی تحصیلی ابتدایی توانایی و آمادگی شناخت و کسب معرفت درباره‌ی موضوعات سیاسی و جهانی را در چارچوب مفهوم «عدالت» دارند. از نظر شوپیلد^۲ (۱۹۸۹)، دانش‌آموزان برخی از باورها، نگرش‌ها و رفتارهای اساسی خود را در دوران تحصیل کسب می‌نمایند. پژوهش‌های دیگری نیز مانند هاگل^۳ (۱۹۸۳)، آبر^۴ (۱۹۹۱)، نعیمی و جون^۵ (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که آموزش ارزش‌ها، از طریق درس‌های مختلف، بسیار مؤثر است.

از سوی دیگر، نظام‌های تعلیم و تربیت، در جوامع مختلف، آرمان‌ها و اهداف ویژه و متناسب با نظام ارزشی و اعتقادی خود را دارد. تعلیم و تربیت اسلامی تحت تأثیر ارزش‌ها و آرمان‌های جهان‌بینی اسلامی، غایاتی مانند رشد و هدایت، طهارت و حیات طیبه، تقوا، قرب، رضوان، عبادت و عبودیت دارد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۵۵-۶۰). از جمله آرمان‌هایی که با اهداف مزبور هماهنگ است، باور یا فلسفه‌ی انتظار فرج یا رویکرد تربیتی «منجی‌گرا» است که از منظر باورهای اسلامی، به ویژه، شیعی باید جهت‌گیری

1. Logan and Erricker

2. Schofield

3. Huckle

4. Aber

5. Niemei and Junn

غالب و کلان تربیت دینی باشد. فلسفه‌ی انتظار از جمله‌ی ارزشمندترین و سرنوشت‌سازترین سرمایه‌های اجتماعی و معنوی است که باید ضمن صیانت از آن، اقدام به گسترش و فرهنگ‌سازی برای انتقال مطلوب و مناسب آن به نسل جدید نمود. از این منظر، تلاش برای نهادینه‌سازی این باور، وظیفه‌ای دینی و الهی است که باید، در حوزه‌ی تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر، فلسفه‌ی تربیتی انتظار نوعی «پداگوژی انتظار» است که باید از طریق آن، فراگیران را هدایت نمود تا نظامی آرمانی و الهی را که رهبری آن از سوی یک انسان کامل و خلیفه‌ی واقعی خداوند است، بشناسند و برای تحقق آن تلاش نمایند. پداگوژی یا نظریه‌ی عملی تربیتی انتظار، نوعی پداگوژی و تعلیم و تربیت رهایی‌بخش و انقلابی است که می‌تواند انسان را از سلطه‌ی نیروها و امیال درونی، و نیروها و موانع بیرونی بازدارنده‌ی تعالی فرد و جامعه رهایی بخشد؛ از این رو، این نوع پداگوژی باید نسل نو و کودکان و نوجوانان را به گونه‌ای تربیت نماید که با اصلاح و تغییر واقعیت‌ها، وضعیت لازم را برای ظهور مصلح الهی و منجی جهانی آماده سازند.

عناصر این نوع تربیت مهدوی یا فلسفه‌ی انتظار آگاهی‌بخشی، هوشیارسازی، دین‌شناسی، امام‌شناسی، خودسازی و نوسازی اجتماعی است. یک انسان مهدوی و منتظر، بی‌عدالتی‌های موجود را در سطح جهان و جوامع بر نمی‌تابد و با رویکردی انتقادی و هوشیارانه به نقد امور می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، این رویکرد تربیتی، سیمایی آگاهی‌بخش، بیداری‌آفرین و تحول‌گرا دارد. فلسفه‌ی تربیتی انتظار، ابعاد سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی دارد و فراگیران را برای نوع خاصی از حیات اجتماعی، سیاسی و فردی آماده می‌سازد؛ به همین دلیل، پرورش و تربیت یک انسان منتظر، از جمله‌ی آرمان‌های رویکرد تربیتی انتظار است. انسان منتظر نیز شعاعی از انسان کامل است که در آرمان‌نهایی انسان‌شناسی و تربیت دینی، به دنبال دستیابی و تحقق آن هستیم.

رویکرد تربیتی انتظار دلالت‌های متعدد و مشخصی برای برنامه‌های آموزشی و درسی، به ویژه، برنامه‌ی درسی تربیت دینی دارد. برنامه‌ها باید بتواند ضمن انتقال دانش، نگرش و رفتار و آمادگی‌های فردی و اجتماعی افراد را در تحقق اهداف آرمانی فلسفه‌ی انتظار افزایش دهد؛ چرا که تحقق چنین هدف و رسالت بزرگی که آرمان الهی خلقت و نظام آفرینش تلقی می‌گردد، نیازمند کسب آمادگی‌های تربیتی و پرورش

انسان‌های آگاه، مصمم، عمیق و دارای فضایل اخلاقی و معنوی است؛ به همین دلیل، انتظار نقش بسیار مهمی در تربیت، خودسازی، تحرک و امید و نوید خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). اعتقاد به حضرت منجی اموری را مانند امیدبخشی، مراقبت دائمی، انتظار عالی، پاسداری از آیین الهی، مبارزه با انحرافات و تحریفات در عرصه‌ی دین ایجاد و به طور کلی، نقش یک قطب‌نمای الهی را ایفا می‌کند؛ قطب‌نمایی که در عصر ناامیدی، دوری از معنویت و سردرگمی انسان معاصر، امکان اتصال به منبع لایزال و الهی نورانیت و هدایت را فراهم می‌سازد.

اجمالاً باید گفت که نهاد آموزش و پرورش عمومی باید، به رسالت و اهداف فلسفه‌ی انتظار را به خوبی توجه کند. هر چند نتایج برخی از مطالعات مانند مرزوقی (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که در اهداف اجتماعی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، هیچ اشاره‌ای به مقوله‌ی انتظار و کسب آگاهی و نگرش‌های لازم نگردیده است (مرزوقی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹)؛ در مطالعه‌ی حاضر تلاش خواهد شد که میزان اهتمام و توجه نهاد آموزش و پرورش کشور را به مقوله‌ی انتظار و فلسفه‌ی مهدویت بررسی و تحلیل کرده، پیشنهاداتی برای تقویت کارکردهای تعلیم و تربیت در این زمینه ارائه گردد.

ارزیابی برنامه‌های آموزشی و درسی

برای بررسی میزان توجه برنامه‌های آموزشی به گسترش تفکر مهدویت، اهداف کلی و اصول طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اهداف آموزش و پرورش در دوره‌های سه‌گانه‌ی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی یا تعلیم و تربیت اسلامی، فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی، کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی و کتاب‌های قرآن و تعلیمات دینی یا دین و زندگی و دانش اجتماعی که به نظر می‌رسد می‌توانند به نشر آگاهی و دانش در زمینه‌ی فلسفه‌ی انتظار بپردازند، بررسی شد.

یافته‌ها در زمینه‌ی اهداف مورد نظر آموزشی و پرورشی حاکی از آن است که از مجموع ۴۱ نوع هدف ذکر شده در ابعاد اعتقادی و اخلاقی (۵ هدف)، پرورشی (۳ هدف)، علمی و آموزشی (۶ هدف)، فرهنگی و هنری (۵ هدف)، سیاسی

(۶ هدف) و اقتصادی (۷ هدف) هیچ نوع هدفی دلال بر توجه به مقوله‌ی انتظار مشاهده نگردید (جدول ۱).

جدول ۱: میزان توجه به رویکرد مهدویت در اهداف و اصول طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

ردیف	اهداف کلی تعلیم و تربیت		اصول کلی	
	نوع هدف	تعداد مورد	نوع اصول	تعداد اصول
۱	اعتقادی و اخلاقی	۵	کلی	۲۰
۲	پرورشی	۳	برنامه‌ریزی و محتوا	۲۰
۳	علمی و آموزشی	۶	معلم	۱۰
۴	فرهنگی و هنری	۵	دانش‌آموز	۹
۵	اجتماعی	۹	سازمانی	۱۲
۶	سیاسی	۶	-	-
۷	اقتصادی	۷	-	-
جمع	-	۴۱	-	۷۱

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، از مجموع ۷۱ اصل از اصول آموزش و پرورش در ابعاد اصول کلی (۲۰ اصل)، برنامه‌ریزی و محتوا (۲۰ اصل)، اصول مربوط به معلم (۱۰ اصل)، دانش‌آموز (۹ اصل) و سازمان (۱۲ اصل)، هیچ اصلی وجود ندارد که با اصول تربیت معطوف به مهدویت مرتبط باشد.

در بررسی اهداف دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه از مجموع ۳۰۳ هدف در دوره‌های ابتدایی (۹۵ هدف)، راهنمایی (۱۰۵ هدف) و متوسطه (۱۰۲ هدف) تنها یک مورد در زمره‌ی اهداف دوره‌ی متوسطه تحت عنوان اینکه دانش‌آموز «با معنی انتظار آشناست و وظایف مسلمانان را در زمان غیبت، از لحاظ مبارزات سیاسی می‌داند.» ذکر شده است. به این هدف، در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی توجه نشده است (جدول ۲).

جدول ۲: میزان توجه به رویکرد مهدویت در اهداف دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه

ردیف	نوع هدف	ابتدایی		راهنمایی		متوسطه		جمع
		تعداد	مورد مرتبط	تعداد	مورد مرتبط	تعداد	مورد مرتبط	
۱	اعتقادی	۱۷	-	۱۸	-	۱۶	-	۵۲
۲	اخلاقی	۲۱	-	۲۳	-	۱۸	-	۶۲
۳	علمی و آموزشی	۸	-	۱۳	-	۱۳	-	۳۴
۴	فرهنگی و هنری	۸	-	۹	-	۹	-	۲۶
۵	اجتماعی	۱۶	-	۱۴	-	۱۴	-	۴۴
۶	زیستی	۸	-	۷	-	۶	-	۲۱
۷	سیاسی	۱۰	-	۱۱	-	۱۳	۱	۳۴
۸	اقتصادی	۷	-	۱۰	-	۱۳	-	۳۰
	جمع	۹۵	۰	۱۰۵	۰	۱۰۲	-	۳۰۳

بررسی کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی، تعلیمات اجتماعی، فارسی بخوانیم و بنویسیم دوره‌ی ابتدایی نشان داد که تنها، در پایه‌ی دوم (صفحه‌ی ۵۲) و پایه‌ی سوم (صفحه‌های ۵۲ و ۳)، در کتاب هدیه‌های آسمانی، به طور بسیار محدود، به موضوع امام زمان (عج) در قالب جشن میلاد آن حضرت پرداخته شده است (جدول ۳).

جدول ۳: آموزش مهدویت در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی

کتاب / پایه‌ی تحصیلی	هدیه‌های آسمانی	فارسی بخوانیم	فارسی بنویسیم	تعلیمات اجتماعی
اول	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
دوم	صفحه‌ی ۵۲	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
سوم	صفحه‌های ۵۲ و ۵۳	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
چهارم	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
پنجم	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد

ارزیابی درس‌های فرهنگ و تعلیمات اسلامی، تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی نشان دارد که در پایه‌های اول و سوم، هیچ‌گونه مطلبی در کتاب‌های درسی درباره‌ی مهدویت ذکر نشده است. تنها صفحه‌های ۷۵-۷۹، در بخش ششم کتاب فرهنگ اسلامی، در قالب جانشینی امام یازدهم به این موضوع پرداخته است (جدول ۴)؛ البته مطالب ارائه‌شده ترسیم جامع و مطلوبی از سیمای مهدویت ارائه نمی‌نماید؛ چرا که دست کم، موضوع به گونه‌ای ارائه نشده است که بتواند مبانی نظری و تصویری منطقی و جامع از مهدویت ارائه نماید.

جدول ۴: آموزش مهدویت در کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی

کتاب درسی	پایه تحصیلی	فرهنگ اسلامی	تعلیمات اجتماعی	فارسی
اول	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
دوم	بدون مورد	بخش ششم صفحه‌های ۷۵-۷۹	بدون مورد	بدون مورد
سوم	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد

ارزیابی کتاب‌های درسی قرآن و تعلیمات دینی و دانش اجتماعی دوره‌ی متوسطه نشان داد که در این دوره، هیچ محتوایی درباره‌ی مهدویت تدوین و ارائه نشده است (جدول ۵).

جدول ۵: آموزش مهدویت در کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه

کتاب	پایه تحصیلی	قرآن و تعلیمات دینی	دانش اجتماعی
اول	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
دوم	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد
سوم	بدون مورد	بدون مورد	بدون مورد

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد، در آموزش و پرورش کشور، در مورد اهداف و اصول طرح کلیات، اهداف دوره‌های تحصیلی و محتوای کتاب‌های درسی

دوره‌های مختلف، توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی منظمی در حوزه‌ی هدف‌گذاری و تدوین محتوا در خصوص آموزش و گسترش «تفکر مهدویت» صورت نپذیرفته است. یافته‌های مزبور، این پرسش اساسی را مطرح می‌سازد که چرا از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های آموزش و پرورش کشور، در مسیر «تربیت مهدوی»، به طور مناسب و نظام‌مند استفاده نمی‌گردد؟ آیا باور و اعتقاد به مهدویت و منجی اساس تفکر و باورهای شیعی را تشکیل نمی‌دهد؟ آیا در برنامه‌های آموزشی نباید به این موضوع مهم توجه جدی کرد؟ و... برای رفع این مشکل لازم است به پیشنهادها‌ی زیر، در آموزش و پرورش کشور توجه شود:

۱. رویکرد تعلیم و تربیت دینی در آموزش و پرورش کشور، بر اساس فلسفه‌ی مهدویت بازنگری و اصلاح شود.
۲. به اهداف رویکرد انتظار و فلسفه‌ی مهدویت به عنوان یکی از اهداف اساسی، در مجموع اهداف نظام آموزشی و دوره‌های تحصیلی، به تفکیک توجه شود.
۳. به ترسیم سیمای مطلوب از فلسفه‌ی مهدویت در کتاب‌های درسی توجه شود.
۴. محتوای متناسب با طرح درک و فهم دانش‌آموزان، در پایه‌ها و سطوح مختلف تحصیلی، در کتاب‌های درسی طراحی گردد.
۵. فعالیت‌های فوق برنامه در زمینه‌ی گسترش تفکر و فرهنگ مهدویت، در مدارس، سازماندهی و برنامه‌ریزی گردد.

منابع

- اهداف آموزش و پرورش دوره‌های ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، مصوب جلسه ۶۴۷ شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹/۲/۲۹.
- باقری، خسرو. (۱۳۷۴)، *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*، انتشارات مدرسه، چ ۳.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۶)، *تربیت و جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.
- راسل، برتراند. (۱۳۶۳)، *قدرت*، ترجمه‌ی دریابندری.
- طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸)، ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، وزرات آموزش و پرورش.
- قادری، حاتم. (۱۳۷۸)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام ایران*، تهران، سمت.
- کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶.
- مرزوقی، رحمت اله. (۱۳۸۳)، *تربیت سیاسی: نظریه‌ها، روش‌ها و برنامه درسی*، انتشارات شیراز، مشکوة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴)، *حکومت جهانی مهدی(ع)*، قم، انتشارات نسل جوان.
- نقیب‌زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۷۴)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، انتشارات طهوری، چ ۶.
- Dewey, John. (1960), *Democracy and education: An introduction to philosophy of education*, Macmillan CO.U.S.A.
- Eisner, E. W. (1979), *The educational imagination: on the desing and evaluation of school programs*. Macmillan co. INC, New york.
- Erricker, c. & J. logan. (1995), "The place of political education in the classroom", *Journal of Multicultural Teaching*, Vol. 14. No. 10. p.30_33.
- Giroux, H. A. (1992), *The emancipation of teaching*, 6th ed. Allyn and Bacon , Boston.
- Niemi, R. G. & J. Junn. (1993), *Civic sources and political knowledge of school:*

Seniors, Paper presented at the annual meeting of American political science association, Washington, DC, September 2.

Ryba, R. (ed). (1997), Education, democracy and development: An international perspective, Kluwer Academic publishers, Dordrecht, Boston and London.